مدیریت قرآنی

اصول و شاخصه های مدیریت در قرآن کریم و روایات

علیرضا معاف

در این حرف که ما در کشورمان نیاز به اصلاح روش های مدیریت داریم، شک نکنید، اما مسأله مهم تر یافتن یک الگوی صحیح برای حل این مشکل است. آیا باید حتماً سراغ ایسمهای غربی برویم و نگاهمان به ۴ کشور به اصطلاح توسعه یافته باشد یا این که اسلام عزیز برای حل این مشکل، راه حل دارد؟ آیا مفهومی به نام «مدیریت اسلامی» وجود خارجی دارد؟

نحوه «مدیریت اسلامی» توسط «مدیران اسلامی» از بحث هایی است که تبیین آن و در نهایت عمل کردن طبق آن از ضروریات دوران ماست، خصوصاً با روی کار آمدن دولت جدید و شعار به حق و کلیدی «دولت اسلامی». ما اکنون در مرحله دولت سازی قرار داریم، از بحث های ضروری این دوره تبیین منش و روش صحیح مدیران دولت اسلامی است. دولت اسلامی، مدیر اسلامی و مدیریت اسلامی می خواهد. به عقیده بعضی دانشمندان می توان تمام اصول مدیریت و حکومتداری را حتی از همان ۱۰ سال حکومت پیامبر (صلوات الله علیه) در مدینه به دست آورد. «دولت اسلامی» صرفاً یک شعار نیست، واقعیت دارد. دولتی که بنیانها و روش های اداره آن، ویژگی های مسئولانش و نحوه ارتباطش با ملت از دل اسلام بیرون می آید. با رجوع به قرآن کریم و احادیث ائمه برزگوار(ع)، می توان به وضوح اهتمام و توجه جدی قرآن عزیز و همه اهل بیت عصمت را به این مسأله مشاهده کرد. در این مقاله ۱۰ خصوصیت از خصوصیاتی که یک «دولتمرد دولت اسلامی» باید واجد آنها باشد، بیان شده است.

۱- صداقت و امانتداری

فراگیر شدن دروغ، خیانت، دورویی و نفاق در جامعه آثار و تبعات منفی و ناشایستی دارد و لازم است که در عزل و نصب های مدیران، این ویژگی ها به طور جدی پیگیری شده و تشویق و تنبیه افراد به طور شفاف با این معیارهای پسندیده انجام شود. افراد چاپلوس، دروغگو و خیانت پیشه طرد و انسان های امین و درستکار شناسایی شوند و در مصدر امور قرار بگیرند.

امام صادق(ع) در بیان معیار انتخاب افراد می فرماید: «به نماز و روزه افراد فریفته نشوید چه بسا که شخصی به نماز و روزه عادت کرده و ترک آن برایش وحشت آور و آزار دهنده است اما در گزینش افراد، راستگویی و امانتداری آنان را مورد توجه قرار داده و معیار سنجش شخصیت او به حساب آورید.»

پست های دولتی در حکومت اسلامی امانت هایی حساس و ارزشمند هستند و خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «خداوند متعال به شما فرمان می دهد که امانت ها را به اهلش بسپارید.» (نساء-۵۸)

بنابراین ویژگی امانتداری و راستگویی باید در اوصاف مدیران جامعه اسلامی با تمام وجود دنبال شود و منصب های حکومتی به عنوان امانت هایی گرانسنگ به اهلش واگذار شود. امام صادق(ع) درباره انتخاب حضرت علی(ع) به عنوان جانشین رسول خدا و پیشوایی امت اسلام به این ۲ صفت اشاره کرده و به یار وفادارش عبدالله بن ابی یعفور پیام می دهد که « ای عبدالله! جعفرین محمد به تو سلام می رساند و یادآور می شود که به ویژگی های علی دقت کن! که کدام خصلت از حضرت، مقام او را در نزد رسول خدا بالا برد و تو هم خود را به آن اوصاف بیارای! همانا که علی به آن مقامات عالی و جایگاه ارزشمند در منظر رسول خدا با ۲ ویژگی مهم اش نائل شد: راستگویی و امانتداری.» (کافی، باب امانت و صدق) در احادیث ما برای امانتداری ۳ مرحله بیان شده و کسی را نمی توان امین به حساب آورد مگر این که در این ۳ مرحله امانتداری خود را ثابت کند: «در حفظ اموال، حفظ اسرار و راز های پنهانی و پاسداری از ناموس مردم.» اگر فردی ۲ مورد را رعایت کند، اما در یکی دیگر از عهده برنیاید او امین نخواهد بود. (مستدرک سفینة البحار، ج ۱)

۲- عدالت محوری

واژه مقدس عدالت که در قرآن کریم و متون روایی اسلامی به طور گسترده مطرح و برفراگیر بودن آن تأکید شده است، مفهومی پربار، امید آفرین و نشاط انگیز دارد. خداوند با تأکید فراوان به گسترش عدالت اجتماعی و سیاسی در لایه های گوناگون جامعه اسلامی، عنایت ورزیده و به اهل ایمان فرمان می دهد: «ای کسانی که ایمان آورده اید برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید، دشمنی با گروهی شما را به گناه ترک عدالت متمایل کند. عدالت پیشه کنید که به تقوا و پاکدامنی نزدیک است.»

(مائده – ۸)

امام صادق(ع) درباره الگوی مدیران حکومت اسلامی، پیامبر اعظم(ص) می فرمایند: «آن بزرگوار چنان عدالت را در برنامه های مدیریتی خود به مرحله عمل درآورده بود که حتی لحظات خود را در جلسات عمومی، در میان حاضران تقسیم می کرد و در نگاه خودش تبعیض بین افراد قائل نبود.» (وسایل الشیعه، ج ۱۲) رسول بزرگوار ما همواره می فرمود: «من مأمور شده ام که در میان شما عدالت را برقرار سازم.» (شوری ۱۵)

این نظر امام معصوم است که می فرماید: «یک ساعت حکومت رهبر عادل، از عبادت ۷۰ سال بهتر است.»(وسایل الشیعه، ج ۲۸)

اساساً یک مدیر عادل همزمان با اجرای عدالت در تمام ابعاد آن، ناچار است که برای اجرای عدالت با مفسدان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مروجان فساد و فحشا و بی بند و باری، بر هم زنندگان عزت و استقلال کشور و سایر موانع عدالت مقابله کنند. امام صادق(ع) در این رابطه می فرمایند: « عدالت اجتماعی را در میان مردم بدون شمشیر و اقتدار کامل هرگز نمی توان استوار ساخت و عملی کرد.» (کافی، ج۵) آری در سایه مدیریت مدیران عدالت محور باید اهل تقوا و ایمان و انسان های پاکدامن در آسایش و راحتی زندگی کنند و خائنان و افراد آلوده دامن در ترس و هراس به سر برند. حضرت جعفربن محمد (علیهما السلام): «اجرای حدود الهی و مجازات خطا کاران و مفسدان بهتر از باریدن چهل روز باران مفید و پرثمر خواهد بود.» (وسایل الشیعه، ج ۲۸) این سخن مولاعلی است که به یکی از مدیران حکومت که از جاده صداقت و عدالت خارج شده و به بیت المال خیانت کرده بود عتاب می کند و می فرماید: «به خدا سوگند! اگر حسن و حسین چنان می کردند که تو انجام دادی از من روی خوش نمی دیدند تا آن که حق را از آنان بازیس ستانم.» (نهج البلاغه، نامه ۴۱)

۳- شوق به خدمت

دولتمردان دولت اسلامی همواره خود را در مقابل مشکلات مردم مسئول دانسته و برای رفع نیازها و گرفتاریهای اهل ایمان با تمام وجود تلاش می کنند. آنان ریاست و منصب دولتی را هرگز به عنوان یک طعمه چرب و نرم حساب نمی کنند بلکه یک فرصت و وسیله ای برای احقاق حقوق محرومان و مستضعفان جامعه می شمارند، تلاش می کنند تا زمانی که مشکل برادر دینی و ایمانی خود را حل نکرده اند به آسایش و راحتی خود نیندیشند.

روزی مردی از شیعیان امام صادق(ع) به حضورش شرفیاب شد و امام با او به گفت وگو پرداخت. امام صادق(ع) از احوال و اوضاع شیعیان هموطن آن مرد سؤال کرد. او نیز ایمان، اخلاق و رفتار همشهریان خود را شرح داد و از آنان تمجید کرد. امام صادق(ع) فرمود: طبقات مرفه و توانگران به فقیران و بینوایان چگونه رسیدگی می کنند؟ عرض کرد: خیلی اندک و کم اتفاق می افتد که توانگران به بینوایان سر بزنند. امام فرمود: «آنان با این وضع چگونه خود را شیعه ما می دانند؟»

(کافی، باب حق مؤمن بر برادرش، حدیث ۱۰)

دولتمردان و مدیرانی که کانون مهر و محبت و رحمت بوده و با گشاده رویی و اشتیاق تمام به خدمت مردم می پردازند در قلب جامعه و در دل انسان ها جای دارند، آنان با عمل پسندیده خود بر روح و جان مردم نفوذ می کنند و پیوسته در اثر لطف الهی از پشتیبانی مردم برخوردار بوده و عزت و احترام خواهند داشت. امام صادق(ع) در پیام ارزشمندی به مدیران و آحاد جامعه اسلامی توصیه فرمود که: «بر مسلمانان شایسته است که در پیوستن و یاری کردن و خدمت نمودن به همدیگر با مهر ورزی و مواسات و عطوفت گام بردارند و چنان باشند که خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: در میان خود مهربان و انیس یکدیگرند.» (کافی، باب تراحم و تعاطف) در حقیقت خدمت به برادران دینی بالاترین عبادتی است که هیچ امر خیری به درجه آن نمی رسد.

۴- ساده زیستی

مدیران شایسته در حکومت اسلامی ساده زیستی را یک خصلت خداپسندانه و موجب رسیدن به کمالات روح و ارتقای کیفی در انجام کارهای جامعه و خدمت به مردم می دانند. آنان همواره این اندیشه خداپسندانه را در ذهن خود می پرورانند که مهمترین راز و رمز توفیق رسول گرامی اسلام(ص) و ائمه هدی(ع) در جذب دلهای مشتاق سعادت، خصلت ساده زیستی و تواضع در برخورد با مردم بوده است. آنان می دانند که : «خداوند بزرگ بر پیشوایان عادل واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان برابر قرار دهند تا تنگدستی، مستمندان را به طغیان و سرکشی وادار نکنند.» (کافی، ج ۱) امام صادق(ع) درباره ضرورت زندگی ساده و بی آلایش مدیران و رهبران جامعه اسلامی می فرمایند: «خدا می داند که من می توانم به بهترین صورت زندگی کنم و از امور خوراکی درجه یک برای خانواده ام تهیه کنم، اما دوست دارم خداوند مرا در حال برنامه ریزی صحیح زندگی ببیند.» (کافی، ج۵) دلبستگی به دنیا علاوه بر این که مانع کمال انسان و موجب بدبینی عموم مردم است بلکه موجب می شود تا یک مدیر در لذت های زود گذر دنیا غوطه ور شده و از انواع محرومیت های طبقات نیازمند جامعه غافل باشد. کارگزاران پیرو اهل بیت هرگز این سخن گهربار امام صادق(ع) را فراموش نمی کنند که فرمود: «اگر دوست داری که در درگاه الهی با خدا همنشین شوی و در بهشت در جوار حضرت باریتعالی مسکن گزینی باید دنیا و [مظاهر فریبنده آن] در نظر تو پست و خوار باشد و مرگ را همیشه نصب العین خود قرار بده و برای خود در این دنیا چیزی ذخیره نکن و بدان آنچه قبلاً از اعمال نیک در این دنیا برای جهان آخرت تقدیم داشته ای به حال تو سودمند خواهد بود و از کارهای نیک که انجام آن را به تأخیر انداخته ای ضرر خواهی کرد.» (تحف العقول، ص۳۰۴)، یک مسلمان با ایمان، با زندگی ساده، بی پیرایه و دل کندن از علایق دنیوی و زرق و برق آن سعادت خود را در هر دو جهان تضمین می کند.

امام خمینی(قدس سره) درباره ضرورت ساده زیستی مسئولان حکومتی می فرمایند: «مصیبت هایی که ملت ما می کشند از این است که متصدیان امور شان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان جامعه بوده و به دنبال این هستند که ثروتشان را زیاد کنند.» (صحیفه امام، ج۱۶، ص۴۴۳)

آن بزرگوار در فراز دیگری از سخنانش خطاب به دولتمردان و روحانیون صاحب منصب کشور می فرماید: «اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید بدانید که دیر یا زود مطرود می شوید.» (صحیفه نور، ج ۱۷، ص۴۵۳)

«شما گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون بیایید وجهه تان پیش مردم بزرگ می شود آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است این است که زندگی شما ساده باشد، همان طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیر المؤمنین و ائمه ما زندگی شان ساده و عادی بود، بلکه پایین تر از عادی.» (صحیفه نور، ج ۱۹، ص۳۱۸)

۵- توکل به خدا

«انما المؤمنون الذین اذا ذکرالله و جلت قلوبهم و اذاتلیت علیهم آیاته زادتهم ایمانا و علی ربهم یتوکلون» (سوره انفال/ ۱۵)؛ «مومنان کسانی اند که هر گاه نام خدا برده شود، دلهای آنان می ترسد و هر گاه آیات او بر آنها خوانده شود، ایمانشان بیشتر شده و بر پروردگار خود توکل می کنند.)

از مظاهر بارز یاد خدا که موجبات قدرت روحی و معنوی را فراهم می آورد؛ توکل است و مفهوم آن، اعتماد، اتکاء، و اعتصام به خداوند است. به دلیل این که فراز و نشیب ها و شکست و ناکامی ها از خصایص کارهای مدیریتی بوده و اجتناب ناپذیر است، توکل و اعتماد به ذات لایزال الهی اثرات متعالی دارد، که به دو مورد از آنها اشاره می کنیم:

الف) توکل و جرأت بر قدرت استفاده از توان موجود: «و من یتوکل علی الله فهوحسبه» (سوره طلاق/۳) هنگامی که انسان ضمن استفاده از مقدورات خود، در انجام امور به خدا توکل می کند، این اتکال به قدرت الهی موجب توفیقات بیشتر در کار شده و توان خود را برای برداشتن موانع موجود مضاعف می کند و مشکلات آسان می شود.

ب) توکل موجب افزایش قدرت روحی و معنوی می شود:

قال النبی: «و من احب ان یکون اقوی الناس فلیتوکل علی الله و من احب ان یکون اغنی الناس فلیکن بما فی یدالله اوثق لما فی یده» (تحف العقول/ ص۲۷) (هرکس بخواهد نیرومندترین مردم باشد، باید به خدا توکل کند؛ و هر کس دوست دارد از همه مردم توانگرتر باشد، باید اعتمادش به آنچه در ید قدرت الهی است، بیش از آنچه در دست خود اوست، باشد.)

با این اوصاف، وقتی یک مدیر مسلمان تکیه گاهش به ذات اقدس ربوبی باشد- که منشأ و رأس همه قدرت هاست- در فعالیت های جاری خود نشاط و دلگرمی و امید خاصی یافته و همواره چون مسئولیتش را امانت الهی می داند، خود و مسئولیتش را به خدا می سپارد و ضمن تلاش و فعالیت، نگرانی واضطرابی نخواهد داشت. سخن حضرت علی(ع) نیز تأکید این مدعی است:

«اصل قوه القلب التوکلی علی الله» ریشه قدرتمندی قلب، توکل به خداوند است.

۶- شور و نشاط و عدم خستگی

حضرت نوح(ع) پس از ۹۵۰ سال دعوت با مشقت، به درگاه خدا عرضه می دارد: «رب انی دعوت قومی لیلا و نهارا فلم یزدهم الافرارا» پروردگارا! من شب و روز قومم را دعوت کردم؛ اما دعوت و پندم جز به فرار و اعراض آنها نیفزود. سپس از سرخستگی و نومیدی می گوید: خدایا طوری اینان را از بین ببر که حتی یکی از آنها هم روی زمین نماند؛ اما جواب می شنود: «و ما علی الرسول الاالبلاغ المبین» (سوره نور/۵۴)؛ تو به کارت ادامه بده، تو مأمور ابلاغی، اهداف و آرمان ها در مدیریت ها سهل الوصول نیستند؛ زمان و توان زیادی می طلبند و از پای نباید ایستاد تا بتوان به هدف مطلوب دست یافت. هر قدر همت و آرمان بلند تر باشد، باید خود را برای خستگی ناپذیری بیشتر آماده ساخت.

امام حسین(علیه السلام): «احتیاج مردم به شما، نعمت خداست برشما، از نعمت خدا خسته نشوید.»

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنش ها گر کند خار مغیلان غم مخور

مدیر موفق کسی است که خستگی های روحی او را از پای در نیاورد و ناکامی ها او را خسته نسازد.

۷- مهربانی با زیر دست

«فبما رحمه من الله لنت لهم ولو کنت فظاً غیظ القلب لانفضوا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم...» (سوره آل عمران/۱۵۹)؛ «براثر رحمت ویژه الهی است که نسبت به امت مسلمانان مهربان هستی و اگر سخت دل و خشن بودی، از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس آن رأفت خاصه را اعمال کن و آنها را عفو نما و برایشان طلب آمرزش کن...)

همان گونه که از محتوای آیه در می یابیم، نبی مکرم اسلام (علیه آلاف التحیه و الثناء) با آن همه براهین و بیانات که از طرف خداوند به وجود شریق حضرتش وحی می شود، توفیق او موکول به برخورد از سر رحمت و الفت و شفقت با مردم شده. این، خود گویای جایگاه والای رفتار عالی انسانی در برخوردهای مدیر با دیگران است. مدیر مسلمان باید نسبت به زیر دستان، اطرافیان و مراجعان بسیار مهربان بوده و به آنها مهر و محبت ورزد؛ آنان را چون فرزندان و برادران و خواهران خود بداند؛ راحتی آنان را از خود بداند؛ در رنج و غم آنان شریک باشد؛ در حد امکان در فکر رفاه و آسایش آنان باشد و چون پدری مهربان و دلسوز با آنان عمل کرده و از این طریق دل آنان را به دست گرفته و در قلب جانشان نفوذ کند و دلگرمشان سازد تا بزیر مجموعه اش بتواند در محیط کار و ... شرایط صفا و صمیمیت و روح تعاون و برادری به وجود آورد. در مواجهه با اشتباه آنان در کار و وظیفه، ابتدا با برخورد عاطفی و ارشادی متنبه و متوجه شان سازد و اگر تنبه ایجاد نشد، بر خورد قاطع و قانونی و اصلاحی کند، نه اینکه حالت انتقام به خود بگیرد.

۸- جاذبه و دافعه؛ هر دو با هم

مدیر مسلمان باید قوه جذب و دفع مناسب داشته باشد و به مقتضای شرایط و موقعیت عمل کند. جذب و یا دفع مطلق در مدیریت اسلامی مردود است و معیار در جاذبه و یا دافعه نباید سلایق شخصی و یا میل فردی باشد؛ بلکه باید جذب برای خدا و دفع هم برای خدا باشد.

امام صادق(ع) در این باره می فرماید: «من احب الله وابغض الله واعطی فهومن کمل ایمانه» (اصول کافی/ ج۳/ص۱۹۸)؛ (هر که برای خدا دوست بدارد و برای خدا دشمن بدارد و برای خدا عطا کند، از کسانی است که ایمانش کامل است.)

همانگونه که در کلام امام(ع) می بینیم، ملاک و معیار در جاذبه و دافعه، خدای متعال است. البته در این جا باید مراقب بود تا فرصت طلبانی که به تناسب شرایط رنگ عوض می کنند در حریم جذب راهشان نداد؛ مگر توبه و رجعت آنان محرز شود و باید مراقب بود که مبادا تعاریف کاذب و یا احیاناً غلو و اغراق افراد، مدیر را به اشتباه بیندازد و مقام و مرتبت اعتباری خود را گم کند و میدان فعالیت را به اشخاص شایسته ندهد و از خیر و خدمات آنها بی بهره ماند.

رسول خدا(ص) فرمودند: «ودالمؤمن فی الله من اعظم شعب الایمان، الاومن احب فی الله وابغض فی الله واعطی فی الله ومنع فی الله، فهومن اصفیاء الله» (همان منبع)؛ «دوستی مؤمن با مؤمن برای خدا بزرگ ترین شعبه های ایمان است. همانا هر که برای خدا دوستی کند و برای خدا دشمنی کند و برای خدا عطا کند و برای خدا دریغ کند؛ از برگزیدگان خداست.)

۹- مردمی بودن

از دیگر ویژگی های مدیر موفق این است که در کنار مردم و در میان آنان قرار داشته باشد و پرده و حجابی بین او و مردم نباشد. مدیر موفق آن است که همان گونه خود با مردم سخن می گوید؛ اجازه سخن گفتن به آنها و موقعیت شنیدن حرف های شان را برای خود فراهم آورد و از مشکلات و گرفتاری های آنها آگاهی یابد و از انتقادهای شان در مسیر سازندگی بهره مند شود.

سخن مولی الموحدین علی(علیه السلام) نیز گویای اهمیت این ادعاست: «فلاتطولن احتجابک عن رعیتک فان احتجاب الولاه عن الرعیه شعبه من الضیق و قله علم بالامور و الاحتجاب منهم یقطع عنهم علم ما احتجبوا دونه، فیصغر عندهم الکبیر و یعظم الصغیر و یقبح الحسن و یحسن القبیح ویشاب الحق بالباطل.... ثم ان للوالی خاصه و بطانه فیهم استئثار و تطاول....» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی نامه ۵۳/)؛ «پس از این همه فراوانی خود را از رعیت خویش پنهان نکن که پنهان شدن والیان از رعیت نمونه ای است از تنگخویی و کم اطلاعی در کارها و نهان شدن از رعیت، والیان را از داشتن آنچه بر آنان پوشیده است، باز دارد. پس کار بزرگ نزد آنان خرد به شمار آید و کار خرد بزرگ کند. زیبا زشت شود و زشت زیبا و باطل به لباس حق درآید.... و نیز ولی را نزدیکان و خویشاوندانی است که خوی برتری جستن و سروری را دارند.)

(دوری از مردم موجب انحراف فکر مدیر از حقیقت گشته و تدریجاً موجب یأس و بدبینی و دلسردی می شود)

۱۰- اخلاص

قال الصادق(ع): «...والعمل الخالص الذی لاترید ان یحمد ک علیه احداً الا الله تعالی والنیه افضل من العمل ...» (کتاب چهل حدیث حضرت امام خمینی(ره))؛ «وعمل خالص آن است که نخواهی کسی تو را بر آن ثنا کند؛ مگر خدای تعالی، و نیت برتر از عمل است.)

حضرت امام خمینی(ره) در ذیل این حدیث می فرمایند: «در توضیح این روایت گفته شده که عامل آن، عوض و پاداشی در دو دنیا نخواهد؛ «ان لایرید عامله علیه عوضا فی الدارین». مدیر مسلمان باید همه اعمالش (قبل از عمل، حین عمل و بعد از عمل) مخلصا لوجه الله باشد. اهل بیت عصمت (علیهم السلام) به واسطه چند قرص نان جوین که در راه خدا می دهند، خداوند در مدح و عظمت آنها آیه می فرستد «انما نطعمکم لوجه الله لانرید منکم جزاء ولاشکورا» بنابراین اهمیت کار آنها در نیت خالصشان است.

امام محمدباقر(ع) به جابر جعفی در همین زمینه فرموده است: «بدان هرگز از طرف ما والی و حاکم نخواهی بود، مگر آن که اگر همه اهالی شهر به تو بگویند تو مرد فاسدی هستی، تو را محزون نسازد؛ و اگر همه اهالی شهر بگویند تو مرد شایسته ای هستی، این سخن تو را مسرور نگرداند. تو باید خود را به قرآن عرضه کنی؛ اگر دیدی راه قرآن می پویی و زهد تو زهد قرآن است و میل و رغبت تو مطابق قرآن است، پس استوار و ثابت بوده و به خود بشارت ده و از آنچه در رد و زیان تو گویند، بردل هراسی راه مده و اگر روش تو با قرآن مباینت دارد، پس به چه دلخوشی!؟»

دولتمردان و مدیرانی که کانون مهر و محبت و رحمت بوده و با گشاده رویی و اشتیاق تمام به خدمت مردم می پردازند در قلب جامعه و در دل انسان ها جای دارند، آنان با عمل پسندیده خود بر روح و جان مردم نفوذ می کنند و پیوسته در اثر لطف الهی از پشتیبانی مردم برخوردار بوده و عزت و احترام خواهند داشت